

تصمیم

مردود پدربزرگ را خیلی دوست داشتیم، و هنوز هم، شاید، داشته باشیم. به صرف نظر از اینکه پدربزرگ، گاهی، به جای پدربزرگ، دودوی خوب، مادر یا کار می‌کرد و من نمی‌فهمم چگونه ممکن است یک نفر، بهانه‌های توهین‌آمیز در برابرش داشته باشد و پایه حال هم فرصت نکرده‌ام در این باره، بعد از او سؤال کنم، و شاید هم قدری عجلت می‌کنم.

اگر می‌گویم «ها، مردود پدربزرگ را خیلی دوست داشتیم»، و روی «مردود» تأکید می‌کنم، صرفاً به خاطر این است که روشن شود هرگز پای «مردود» میان نبوده‌است، و از عادت او در باب علف‌های بی‌حسابی که می‌خورد

۱۱. تصمیم

۴۹. ترمیم

۷۵. تعویض

۹۷. تبدیل

۱۲۹. تبلیغ

۱۵۷. تکثیر

۱

تصمیم

ما، هردو، پدر بزرگ را خیلی دوست داشتیم، و هنوز هم، شاید، داشته باشیم — صرف نظر از اینکه بورخس، گاهی، به جای «پدر بزرگ»، «نوهی خوبِ ما» را به کار می برد، و من نمی فهمم چگونه ممکن است یک نفر، به تنهایی، نوهی دو برادر باشد؛ و تا به حال هم فرصت نکرده ام در این باره، جدّاً از او سؤال کنم، و شاید هم قدری خجالت می کشم...

اگر می گویم «ما، هردو، پدر بزرگ را خیلی دوست داشتیم» و روی «هر دو» تأکید می کنم، صرفاً به خاطر این است که روشن شود هرگز پای ها کسلی در میان نبوده است، و ادعاهای او در باب علاقه ی بی حسابش به پدر بزرگ، و مصاحبه هایش در این زمینه که همیشه در اندیشه ی سلامتِ پدر بزرگ بوده و هر چه می توانسته کرده تا پدر بزرگ گرفتار آن تکثیر تأسف انگیز نشود، و راه هایی که پیشنهاد می کرده خیلی انسانی تر از راه های من و بورخس بوده، تماماً دروغ محض است. اینکه ها کسلی در آخرین مصاحبه اش گفته: امروز دیگر، این اعتقادِ قطعی من است که علم می تواند آینده ی